

بررسی صلاحیت دادرسی در صدور قرار بایگانی پرونده با نگاهی به حقوق دادرسی فرانسه و ایران

چکیده

قانونگذار ایران در فصل سوم بخش دوم قانون آیین دادرسی کیفری (۹۲) با اقتباس از ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ذیل وظایف و اختیارات دادستان به امکان صدور قرار بایگانی پرونده توسط «مقام قضایی» در جرایم درجه هفت و هشت اشاره نموده است. سوالی که از فحوای ماده مذکور به ذهن متبادر می شود این است که با وجود رسیدگی مستقیم به جرایم درجه هفت و هشت در دادگاه، آیا با توجه به کلمه مقام قضایی، دادستان در جرایم مذکور مقام تعقیب بوده و امکان صدور قرار موصوف را دارد یا نقشی نداشته و صرفاً دادگاه می تواند قرار بایگانی پرونده را صادر نماید؟ یافته های پژوهش از این حکایت دارد که برخلاف نظر برخی قضات و حقوقدانان امکان صدور این قرار توسط دادستان وجود دارد و در رویه برخی از دادرسیها نیز ملاحظه شده است؛ زیرا برابر قانون آیین دادرسی کیفری منظور از طرح مستقیم پرونده در دادگاه، مراجعه مستقیم شکات یا ضابطان دادگستری به دادگاه نمی باشد بلکه می بایست پس از تشخیص مصادیق طرح مستقیم توسط دادستان یا دادرسی حسب مورد پرونده با قرار عدم صلاحیت (نسبت به دادگاه صلح) و یا بدون آن (نسبت به سایر دادگاه های کیفری)، مستقیماً به دادگاه صالح ارسال گردد. دادستان در این مجال حق دارد از جایگزین های تعقیب متهم که در قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است به مانند بایگانی شدن پرونده، استفاده و از تورم پرونده در دادگاه جلوگیری نماید. تبعاً این نافی اختیارات دادگاه جهت صدور قرار بایگانی پرونده نمی باشد. این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی موضوع می پردازد.

واژگان کلیدی

دادرسی، دادستان، دادگاه، قرار بایگانی، مقام قضایی، رسیدگی مستقیم

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | Accepted for Arbitration Publication | Draft Version | Unedited

مقدمه

تعقیب متهم از اصلی‌ترین مراحل فرآیند دادرسی کیفری بوده که به منظور حفظ مصالح فردی و اجتماعی در زمره اختیارات و تکالیف مقام صلاحیت دار در امر تعقیب گذارده شده است. (رضاقلی زاده، ۱۴۰۰: ۶۱) بر اساس ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری، دو وظیفه مهم «تعقیب متهم» و «اقامه دعوی عمومی» بر عهده دادستان است. مطلب مهم این است که بین تعقیب متهم به ارتکاب جرم، به عنوان یکی از وظایف دادستان و تعقیب دعوی عمومی که معادل اقامه دعوی عمومی است، باید تفکیک قائل شویم. (آشوری، ۱۴۰۰: ۱۵۰/۱) زیرا هر کدام ناظر به یک مرحله مشخص و جدا از دادرسی است. (طهماسبی، ۱۴۰۳: ۲۴) لذا بر طبق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری و به موجب قاعده «قانونی یا الزامی بودن تعقیب»، دادستان، موظف به تعقیب جرم است و می‌تواند انجام تحقیقات مقدماتی را حسب مورد، رأساً عهده دار شود یا برابر ماده ۹۲ قانون یاد شده و تبصره ذیل آن انجام تحقیقات را از بازپرس یا جانشین بازپرس (دادرس دادگاه) و یا دادیار تحقیق و یا برابر

ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری و سایر مواد مرتبط از جمله تبصره یک ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ از دادگاه صالح تقاضا نماید. در مورد اخیر الذکر دادستان صرفاً در عرصه تعقیب جرم که در صدر مواد ۱۱ و ۶۴ قانون مارالذکر اشاره شده است، گام بر می دارد و عهده دار تعقیب دعوی عمومی نمی باشد؛ در واقع دادرسی در فرایند تعقیب دعوی عمومی، ورود نکرده و پرونده مستقیماً در دادگاه کیفری مطرح و دادگاه رأساً تعقیب^۱ و تحقیق را بر عهده گرفته و عملاً وظایف دادرسی را انجام می دهد (ناجی زواره، ۱۳۹۵: ۶۲/۱)، مشروط بر اینکه برابر شرایط قانونی به اصدار قرارهای جایگزین تعقیب^۲ از جمله تعلیق تعقیب و یا بایگانی شدن پرونده^۳ مبادرت نرزد. بدین سان تعقیب جرم از سوی دادستان که امری آغازین محسوب می شود و تعقیب دعوی عمومی که در خاتمه تحقیقات مقدماتی و متعاقب صدور قرار جلب به محاکمه و کیفرخواست^۴ صورت می پذیرد، مبین وظایف تعقیبی دوگانه دادستان است که مورد اول یعنی «تعقیب جرم» در قانون آیین دادرسی کیفری جزء در تعقیب جرایم منافی عفت (ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک) و انتفای ضرورت مداخله دادستان (فحواى ماده ۷۸ ق.آ.د.ک) با استثناء و ممنوعیت مواجه نمی باشد. لکن مورد دوم یعنی «تعقیب دعوی عمومی» در قانون آیین دادرسی کیفری برابر مواد ۲۸۵، ۳۰۶ و ۳۴۰ و سایر مواد مرتبط با استثناء مواجه است. به همین جهت در مواردی که پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح می شود نیز ارجاع پرونده و البته بدون انجام هرگونه تحقیق، باید پس از ثبت در دادرسی و از طریق آن

^۱ در صورتی که منظور نویسنده مذکور، صرفاً تعقیب دعوی عمومی باشد قابل پذیرش است اما اگر منظور تعقیب جرم باشد این از نظر نگارندگان قابل پذیرش نمی باشد.

^۲ جایگزین های تعقیب دعوی عمومی مجموعه شیوه ها و اقداماتی است که توسط قانونگذار پیش بینی شده است تا دادستان به عنوان مقام تعقیب به جای پیگیری دعوی عمومی در مسیر اصلاح و بازپروری فرد و تضمین حقوق بزه دیده از آن استفاده نماید. (Valette, 2005: 154)

^۳ Classement sans suite

^۴ تبصره یک ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ موبد آن است: «به کلیه جرایم مذکور در این ماده مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست در دادگاه صلح رسیدگی می شود.»

به دادگاه ارسال شود؛^۱ انجام وظیفه دادسرا در معیت دادگاه، اطلاع از جرایم ارتكابی در حوزه قضایی دادستان را نیز در بردارد.^۲ در ارتباط با ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد؛ « جرایم تعزیری درجه هفت و هشت به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود...» نیز فقط در صورتی پرونده قابل ارجاع به دادگاه است که دادستان از اختیارات خود در زمینه اقتضای تعقیب استفاده ننموده باشد. به عبارت دیگر؛ ارجاع پرونده به دادگاه در جرایم مذکور باید از مجرای دادسرا صورت پذیرد. مستند این استنباط تدوین مقررات مربوط به « وظایف و اختیارات دادستان» در فصل سوم قانون آیین دادرسی کیفری است. (آشوری، ۱۴۰۰: ۱۴۰/۱) لذا می‌توان اذعان نمود منظور از طرح مستقیم پرونده در دادگاه، مراجعه مستقیم به دادگاه نیست، بلکه اصولاً شاکی باید شکایت خود را به دادستان تقدیم نماید (ماده ۶۹ ق.آ.د.ک)^۳ و ضابطان نیز پس از اطلاع از وقوع جرم، باید آن را به دادستان اعلام کنند (ماده ۴۴ ق.آ.د.ک).^۴ تشخیص مصادیق طرح مستقیم پرونده در دادگاه و در نتیجه لزوم یا عدم لزوم تحقیقات مقدماتی در دادسرا، امری تخصصی است که نباید به ضابطان و مراجعان دادگستری واگذار گردد. بنابراین دادسرا باید همه شکایات و گزارشها را دریافت نموده و در صورت تشخیص انطباق اتهام با موارد طرح مستقیم،

^۱ در عمل، پرونده نه از طریق دادسرا بلکه اغلب از طریق رئیس حوزه قضایی به دادگاه ارسال می‌شود. (آشوری، ۱۴۰۰: ۱۹۰/۱)
^۲ علاوه بر آن، دستور العمل شماره ۱۸۴۴۱/۱۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۳ رئیس کل دادگستری تهران مبنی بر لزوم ابلاغ آرای محاکم کیفری، عمومی بخش و صلح به دادستان در راستای اطلاع وی از روند رسیدگی به اتهام متهمان حوزه قضایی خود می‌باشد. و همچنین نظریه مشورتی شماره ۸۴۵/۱۴۰۳/۷ مورخ ۱۴۰۴/۱/۲۶: «مستفاد از ماده ۱۷ قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ و در اجرای مقررات آیین دادرسی کیفری در دادگاه‌های صلح در موارد سکوت قانون یادشده و با لحاظ ماده ۳۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ابلاغ آرای کیفری دادگاه‌های صلح به دادستان ضرورت دارد و این آرا در مواردی که قابل تجدید نظر باشد، از سوی دادستان قابل تجدید نظرخواهی است.»

^۳ ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: « دادستان جمهوری شکایات و اعلام جرم‌ها را دریافت می‌کند و پیگیری و تعقیب آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.»

^۴ با این حال ماده ۲۸ آیین‌نامه اجرایی قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۳ مقرر می‌دارد: «دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و ضابطان در صورت طرح دعاوی و شکایات در صلاحیت دادگاه صلح، مکلفند موضوع را به دادگاه صلح ارسال کنند. در صورتی که موضوعات فوق در سایر مراجع قضایی مطرح شود، مقام ارجاع موضوع را فوراً با دستور اداری به دادگاه صلح ارسال می‌نماید.»

پرونده را مستقیماً به دادگاه ارسال نماید. (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۸۳/۱)^۱ زیرا دادستان رئیس ضابطین محسوب می شود و به نظر می رسد کلیه گزارشات ضابطین و حتی شکایات به دادستان منعکس شده و اگر او تشخیص دهد موضوع از مواردی است که مستقیماً باید در دادگاه مطرح گردد با دستور لازم پرونده را به دادگاه مربوط ارسال خواهد نمود. (مهاجری، ۱۳۹۵: ۶۳/۱) در این مجال دادستان می تواند با استفاده از اختیارات جایگزین تعقیب از تورم پرونده های کیفری با درجه سبک در دادگاه جلوگیری نماید. در این خصوص می توان به قرار بایگانی پرونده شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۰۹۸۳۸۲۳۷ مورخ ۱۴۰۳/۷/۳ شعبه چهارم دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب تهران اشاره نمود که دادیار در یک جرم درجه ۷ مبادرت به صدور قرار بایگانی شدن پرونده نموده است که در نهایت با مخالف دادیار اظهار نظر مواجه گردید. دادیار اظهار نظر طی شماره اظهار نظر ۱۴۰۳۶۸۰۱۰۰۰۲۰۹۶۲۶۸ مورخ ۱۴۰۳/۷/۸ علت مخالفت خود را این گونه بیان می نماید؛ «حسب ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری و دکتترین موجود صدور قرار بایگانی پرونده در صلاحیت دادگاه می باشد.» نگارندگان در این پژوهش به بررسی دیدگاه دادیار اظهار نظر و دکتترینی که قائل به عدم امکان صدور قرار بایگانی پرونده توسط مقامات دادرسی یعنی دادستان و جانشین وی یعنی دادیار هستند (کوشکی، ۱۴۰۱: ۲۹۷/۱)، به صورت تطبیقی می پردازند. زیرا بر اساس نظر یکی از حقوقدانان، قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری سعی نموده، ارسال پرونده های خرد به دادگاه یا عدم ارسال آنها از طریق بایگانی نمودن پرونده را در اختیار مقامات دادرسی قرار دهد (آشوری، ۱۴۰۰: ۱۶۹/۱) نه دادگاه. چرا که اصل تناسب تعقیب و آثار مثبت آن، اجرای این قرار توسط دادستان را توجیه می کند. (تدین، ۱۴۰۲: ۵۵) مع الوصف، در مبحث اول

^۱ دادرسی در خصوص جرایم در صلاحیت دادگاه صلح می بایست برابر تبصره ۴ ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ و ماده ۲۲ آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۴۰۳ قرار عدم صلاحیت صادر نماید بر خلاف سابق که نسبت به دادگاه کیفری دو پرونده با دستور دادستان به دادگاه ارسال می گردید.

به بررسی قرار بایگانی پرونده در حقوق دادرسی کیفری فرانسه و سپس در مبحث دوم به بررسی جوانب این قرار در نظام دادرسی کیفری ایران پرداخته و در پایان نتیجه گیری می شود.

۱. قرار بایگانی پرونده در فرانسه

دادستان در فرانسه نقش کلیدی و برجسته ای در موارد تعقیب عمومی ایفا می کند، در رویه، دادستان هر بار وظیفه تعقیب جرمی که به اطلاع وی می رسد را دارد. در واقع وی قدرت تعقیب عمومی، اجرای جایگزین تعقیب و یا اجرای بایگانی پرونده را دارا می باشد و در این میان مخیر است. (باباخانی، ۱۴۰۰: ۳۵) قانونگذار فرانسه در مبحث سوم از فصل دوم بخش اول قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۲۰۱۲ میلادی، در ذیل اختیارات و صلاحیت های «دادستان شهرستان» در ماده ۱-۳۹ تصریح می نماید؛ دادستان در چارچوب اختیارات مربوط به جایگزین های تعقیب کیفری به لحاظ پیشگیری از ارتکاب جرم، نظارت دارد و طبق ماده ۴۱ قانون مذکور تنها مقامی است که تعقیب جرایم را بررسی و اقدام می نماید. لذا تمام شکایات و اعلام جرم ها می بایست به دادستان تقدیم گردد و دادستان شهرستان بر اساس ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، وظیفه ارزیابی تعقیب شکایت یا اعلام جرم را دارد. تعقیب کیفری می تواند به دلایلی بنا به ارزیابی دادستان، نامناسب باشد، خصوصاً در مواردی که خسارت بزه دیده جبران شده است. در این موارد رویه دادسرا بر عدم تعقیب و بایگانی پرونده است. (Valette, 2018: 123) شایسته ذکر است؛ قانونگذار با هدف مقابله با تراکم پرونده ها در مراجع کیفری رسیدگی کننده، پیشگیری از برچسب زنی و افزایش جمعیت کیفری، این امکان را فراهم ساخت تا در صورتی که ارزیابی دادستان مؤید تعقیب جرم باشد و ممنوعیت قانونی برای آغاز تعقیب دعوی عمومی وجود نداشته باشد بتواند در خصوص شروع به تعقیب جرم یا تبدیل تعقیب جرم به جایگزین تعقیب و انصراف از آن یا بایگانی نمودن پرونده

اتخاذ تصمیم نماید. (۱-۴۰ ق.آ.د.ک.ف) با این حال، بین حقوقدانان فرانسوی، در خصوص جهات بایگانی پرونده که قلمروی وسیعی را پوشش می دهد، اختلاف نظر وجود دارد. (Bolouc, 2019: 125) لذا می توان اذعان نمود؛ بایگانی نمودن پرونده شیوه اداری-قضایی است که پس از توافق دادستان و متهم و همکاری اراده آنان مبنی بر کنارگذاری تعقیب دعوی کیفری در برابر متعهد شدن بزه کار به اقدام هایی مانند مراجعه به مراکز اصلاحی-درمانی و غیره اتخاذ می شود. (نیازپور، ۱۳۹۲: ۱۷۲ و ۱۷۳) این شیوه معمولاً نسبت به جرم های کم اهمیت و بزهکاران بدون پیشینه کیفری به کار می رود. (فتح آبادی، مهدوی ثابت، ۱۳۹۹: ۲۰۲) این تصمیم دادستان شهرستان بر اساس ماده ۲-۴۰ ق.آ.د.ک.ف به شکات ابلاغ و بر اساس ماده ۳-۴۰ معترض می تواند اعتراض خود را به دادستان استان تسلیم نماید. بایگانی نمودن پرونده در فرانسه دو نوع می باشد؛ ۱. بایگانی ساده یا بدون تدابیر مراقبتی یا تادیبی ۲. بایگانی پرونده مشروط یا مسبوق به تدابیر مراقبتی ترمیمی یا تادیبی جایگزین تعقیب. شایسته ذکر است در دوران معاصر در حدود هشتاد درصد از پرونده های ارجاعی به دادسرای فرانسه، بایگانی می شود. (pradel, 2007: 538)

۱-۲. بایگانی ساده

بر اساس بند ۲ ماده ۱-۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، بایگانی ساده که به بایگانی «خشک و خالی» شهرت دارد، بدون تدابیر نظارتی و دستورات ایجابی و سلبی است. در این گونه ساده بایگانی، دادستان پس از سنجش اوضاع و احوال می تواند نسبت به کنارگذاری پی گرد دعوی کیفری و مختومه کردن پرونده مبادرت ورزد؛ بی آن که برای اجرا شدن این شیوه بزه کار را به انجام یک سری اقدام ها مکلف سازد. (نیازپور، ۱۳۹۲: ۱۷۳) فوراً بدون اینکه دستورات یا تنبیهاتی را جهت انصراف از تعقیب متهم ضروری بداند، اقدام به صدور قرار بایگانی ساده پرونده می نماید. به سخن دیگر؛ دادستان بدو با توجه غیر مهم بودن جرم و شرایط ارتکاب آن

مجرم را از فرصت عدم اقتضای تعقیب و بایگانی شدن پرونده برخوردار می سازد، به گونه ای که هر گاه دادسرا مثلاً به علت ادله جدید، به تصمیم خود بازگردد یا بزه دیده اقامه دعوی خصوصی نماید، امکان به جریان انداختن پرونده وجود داشته باشد. (تدین، ۱۳۹۱: ۴۶۹) در این صورت با بایگانی شدن پرونده، دعوی عمومی نسبت به تمامی مداخله کنندگان در جرم متوقف می گردد.

۲-۲. بایگانی مشروط

براساس ماده ۱-۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و برخلاف بایگانی ساده، بایگانی مشروط یا مراقبتی می تواند رأساً توسط دادستان یا پلیس قضایی یا نماینده دادستان صورت پذیرد و شامل بایگانی پرونده مسبوق به تدابیر ترمیمی و تدابیر تأدیبی می باشد. در این گونه بایگانی، دادستان پس از سنجش اوضاع و احوال می تواند نسبت به کنارگذاری پی گردد دعوی کیفری و مختومه کردن پرونده مبادرت ورزد؛ تصمیم دادستان در این زمینه با تحمیل شرایطی بر بزه کار همراه است. (نیازپور، ۱۳۹۲: ۱۷۳) لذا در این نوع بایگانی پرونده، انصراف دادستان از تعقیب متهم منوط به رعایت دستورات و تدابیری است که دادستان برای مرتکب جرم تدارک دیده است. گاه این تدابیر جنبه ترمیمی دارد و گاه فراتر از آن جنبه تنبیهی و تأدیبی دارد. نوع اخیر در حقوق دادرسی فرانسه به سازش کیفری جهت صدور قرار بایگانی شدن پرونده شهرت دارد. علت ذکر «کیفری» این است که برخی از تدابیر از جنبه و صبغه کیفری اصلی یا ترمیمی برخوردار هستند. (مانند پرداخت جزای نقدی یا منع صدور چک) (Renault-Brahinsky, 2006: 127) هدف این است که در برخی از جایگزین های تعقیب و قرار بایگانی مشروط، نوعی زحمت حداقلی بر مرتکب جرم تحمیل گردد. (Aubert, 2010: 21)

۲-۲-۱. بایگانی ترمیمی (تدابیر شش گانه)

در بایگانی ترمیمی که أخف از بایگانی تأدیبی می باشد، به جهاتی که در ماده ۱-۴۱ ق.آ.د.ک.ف ذکر شده از جمله ۱. جبران خسارت بزه دیده ۲. خاتمه اختلال ناشی

از جرم ۳. پیش بینی اصلاح مرتکب می توان ضمن تعقیب آتی جرم فرصتی را جهت انصراف از تعقیب آتی فراهم ساخت. تمامی جهات می بایست مجتمعاً وجود داشته باشند. در واقع، متهم قبل از تعقیب تحت تدابیر شش گانه مقرر در ماده اخیر الذکر قرار می گیرد. تدابیر شش گانه از قرار شامل: ۱- یاد آوری و آگاه سازس تعهدات و تکالیف ناشی از قانون به مرتکب جرم ۲- معرفی مرتکب جرم به یک مرکز درمانی یا اجتماعی یا حرفه ای ۳- مطابقت وضعیت مرتکب جرم با قانون ۴- جبران خسارات ناشی از جرم توسط مرتکب ۵- ارجاع به میانجی گر در صورت موافقت طرفین ۶- تغییر اقامتگاه در جرایم خانوادگی. در صورتی که مرتکب جرم، موفق به انجام تدابیر ترمیمی گردید، دادستان یا سایر مقامات صالح قانونی از جمله پلیس قضایی، در خصوص وی قرار بایگانی شدن پرونده را صادر خواهد نمود لکن در صورت عدم انجام تدابیر، یا دادستان تدابیر بایگانی تأدیبی را اتخاذ یا تعقیب کیفری را آغاز می نماید.

۲-۲-۲. بایگانی تأدیبی (تدابیر هفده گانه)

در تمام جرایم جنحه ای و خلافی امکان صدور قرار بایگانی پرونده پیش بینی شده است. البته توقف دعوی عمومی از طریق بایگانی نمودن پرونده مانع پیگیری خصوصی بزه دیده نیست. (تدین، ۱۳۹۱: ۴۹) این نوع بایگانی پرونده در نظام قضایی فرانسه نشان دهنده رویکرد سیاست کیفری فرانسه در زمینه «قضاوتی نمودن اقدامات دادسرا» می باشد. (آشوری، ۱۴۰۰: ۱۸۰/۱) این تدبیر مقام تعقیب تحت عنوان سازش کیفری^۱ شناخته شده است که شامل تدابیر ایجابی و سلبی از قرار؛ ۱- پرداخت جزای نقدی که از حداکثر قانونی بیشتر نخواهد بود. ۲- مصادره اموال ناشی از جرم (سلب مالکیت) ۳- توقیف و منع تردد وسیله نقلیه برای مدت معین ۴- توقیف گواهی نامه رانندگی ۵- توقیف مجوز شکار برای مدت معین ۶- خدمات عمومی

^۱ La composition penale

رایگان برای زمان معین و محدود ۷- شرکت در دوره های آموزشی و کارآموزی
۸- عدم صدور چک ۹- عدم معاشرت با بزه دیده ۱۰- تحویل گذرنامه و منع خروج
از فرانس ۱۱- شرکت در دوره های آموزش شهروندی ۱۲- سکونت در خارج از
اقامتگاه ۱۳- منع رفت و آمد به محل های معین ۱۴- عدم معاشرت با شرکا و معاونان
جرم ۱۵- شرکت در دوره های آموزشی مرتبط با مخاطرات مواد مخدر ۱۶- الزام به
تحصیل یا انجام فعالیت روزانه ۱۷- انجام اقدامات و تزریقات درمانی. پس از سازش
کیفری دادستان و متهم، این توافق نامه جهت تنفیذ و اجرا باید به دادگاه ارسال شود.
در نهایت در صورت عدم صلح دادستان یا سایر مقامات و متهم یا عدم انجام مفاد
توافق نامه، تعقیب کیفری آغاز می شود.

۲. قرار بایگانی پرونده در ایران

بایگانی نمودن پرونده در حقوق دادرسی ایران به معنای «خودداری مقام قضائی از
تعقیب متهم فقط برای یکبار در صورت وجود شرایط مقرر قانونی است». (حاجی
تبار فیروزجائی، ۱۳۹۹: ۱۹۸) صدور قرار بایگانی توسط دادستان در ایران نهاد
ارفاقی نوینی نمی باشد و در قوانین خاص متعددی از جمله ماده ۲۲ قانون تشکیل
شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ و ماده ۵ قانون مجازات عاملین
متخلف در امر حمل و نقل کالا مصوب ۱۳۶۷ و ماده ۶ قانون مجازات متخلفین از
تعرفه نرخ حمل و نقل کالا و مسافر مصوب ۱۳۶۷ و تبصره ۵ ماده واحده قانون الزام
تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج مصوب ۱۳۶۷ و ماده ۱۰ قانون
منع خرید و فروش کوپن های کالای اساسی مصوب ۱۳۶۷ و ماده ۱۲ قانون اصلاح
بعضی از مواد قانون مربوط به مقررات پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی
مصوب ۱۳۶۷ و ماده ۷ قانون تشدید مجازات محکومان و گران فروشان مصوب
۱۳۶۷ به این اختیار دادستان اشاره شده است. لکن اولین مرتبه به عنوان یک قاعده
عمومی در جهت اصلاح و بازاجتماعی شدن متهمان و نیز قضا زدایی (رستمی،

۱۳۹۷: ۲۴۶) با اقتباس از کشورهای اروپایی خصوصاً نظام دادرسی فرانسه در ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی گردید. (گلدوست جویباری، ۱۳۹۴: ۹۶) این قرار به عنوان نوع خاصی از جایگزین های تعقیب، از جلوه های قاعده موقعیت یا مصلحت تعقیب است (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۹: ۱۹۸) و امکان اعمال قرار بایگانی پرونده علاوه بر اشخاص حقیقی نسبت به اشخاص حقوقی نیز وجود دارد. (ساقیان و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۶۴)

قرار بایگانی پرونده در حقوق دادرسی ایران برخلاف حقوق دادرسی فرانسه، صرفاً از نوع ساده می باشد، به سخن دیگر قاضی صادر کننده تصمیم، بدون نیاز به تصمیم مقدماتی دیگر، مستقیماً و بدون هیچ پیش شرطی، بایگانی پرونده را اراده می کند. (مهاجری، ۱۳۹۵: ۱۰۷/۲)

۲-۱. مقام صادر کننده قرار بایگانی پرونده در ایران

برخلاف حقوق دادرسی فرانسه که صراحتاً مقامات صادر کننده قرار بایگانی ساده و مشروط را حسب مورد؛ دادستان، نماینده دادستان، پلیس قضایی، میانجی گر و سایر مقامات صالح ذکر نموده است، قانونگذار ایران در ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری از واژه «مقام قضایی»^۱ بهره جسته است. لذا صرفاً شخص دارای پایه قضایی، مقام قضایی محسوب می شود. (میهمی، روح الامینی، ۱۳۹۶: ۵۹) نظر به این که ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری در فصل مربوط به اختیارات دادستان درج شده است، لذا دادستان به عنوان مدعی العموم در تمامی جرایم و مقام تعقیب وفق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری امکان صرف نظر نمودن از تعقیب متهم و بایگانی نمودن پرونده را دارد.^۲ زیرا قانونگذار در ماده مزبور نهایت اعتماد را به دادستان کرده و به دادستان اختیار کامل و استقلال در تصمیم گیری در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ داده

^۱ در متن اولیه لایحه آیین دادرسی کیفری مقام صادر کننده قرار، صرفاً دادستان بوده است.

^۲ نشست قضایی شماره ۸۴۱۸-۱۴۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۸ استان مرکزی: «نظر اکثریت قضات: منظور از مقام قضایی شامل مقامات دادرسی نیز می گردد.»

اعلام جرم سایرین وفق مواد ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری می تواند به دادستان وفق مواد ۱۱ و ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت تعقیب جرم را بدهد. در این موارد دادستان وفق ماده ۹۲، جانشین دادستان یعنی قاضی کشیک دادسرا وفق ماده ۴۷ و دادیار تحقیق وفق مواد ۸۸ و ۹۲ می تواند طبق ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری قرار بایگانی پرونده را صادر نماید. به طور مثال جرم حمل قمه به قصد درگیری موضوع تبصره یک ماده ۶۱۷ کتاب تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به دادستان یا نماینده وی گزارش می گردد. با عنایت به این که جرم موصوف درجه ۷ می باشد دادستان می تواند قرار بایگانی پرونده صادر نماید یا پرونده را با دستور^۱ در وقت کشیک دادسرا به کشیک محاکم یا در وقت اداری با قرار عدم صلاحیت به دادگاه صلح ارسال نماید. لازم به ذکر است بر اساس ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس هر چند از مقامات دادسرا می باشد لکن امکان صدور قرار بایگانی پرونده را ندارد زیرا بر خلاف دادستان که هم دارای شأن تعقیبی و تحقیقی می باشد، بازپرس صرفاً شان تحقیقی دارد و قرار بایگانی پرونده اختصاص به مرحله تعقیب و به طریق اولی مختص مقامات تعقیب است. لذا بازپرس به مانند قرار تعلیق تعقیب صرفاً می تواند پیشنهاد صدور قرار را به دادستان بدهد.

۲-۱-۱-۲. دادگاه

منظور از دادگاه در این خصوص دادگاه صلح، دادگاه انقلاب و دادگاه اطفال و نوجوانان می باشد که به صورت مستقیم صلاحیت رسیدگی مستقیم به جرایم درجه ۷ و ۸ را دارند. دادگاه اعم از این که پرونده مستقیماً از طریق معاون ارجاع مجتمع قضایی به شعب ارجاع گردد یا از طریق ارسال پرونده از طریق دادسرا، می تواند قرار بایگانی پرونده را صادر نماید، هر چند دادستان به عنوان مقام اصلی تعقیب، از تاسیس مذکور استفاده ننموده باشد. این موضوع هر چند در ماده ۸۰ قانون آیین

^۱ ماده ۲۸ آیین نامه اجرایی قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۳، مؤید آن است.

دادرسی کیفری صراحتاً تصریح نشده لکن سابقه آن در بایگانی های خاص مقرر در قوانین خاص تصریح شده و لفظ مقام قضایی در ماده مزبور ظهور در امکان صدور این قرار توسط دادگاه دارد. علاوه بر آن ماده ۳۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مؤید آن است. لازم به تاکید است در موارد قانونی خاص بایگانی پرونده نیز که در مباحث سابق به آنها اشاره گردید، طبق نص قانون دادگاه نیز می تواند از تاسیس بایگانی پرونده استفاده نماید و اختیار دادستان مانع اختیار دادگاه تلقی نشده است.

۲-۱-۲. جرایم تعزیری درجه هفت و هشت غیر مستقل

منظور از جرایم درجه ۷ و ۸ غیر مستقل، جرم درجه ۷ یا جرم درجه ۸ یا جرایم درجه ۷ و ۸ به صورت توأمان و با همراهی سایر جرایم درجه ۱ تا ۶ است. فی المثل شکایت شاکی دایر بر تصرف عدوانی و سرقت مستوجب تعزیر.

۲-۱-۲-۱. دادستان و یا جانشین دادستان

گاه علاوه بر جرایم درجه ۷ و ۸ سایر درجات یا جرایم که تحقیقات مقدماتی آن در صلاحیت دادرسی می باشد، به دادستان اعلام می شود. در این صورت در رویه قضایی اختلاف نظر وجود دارد برخی از دادرها به صورت توأمان به تمامی جرایم رسیدگی می نمایند و برخی تفکیک نموده و به تمامی جرایم جز درجه ۷ و ۸ رسیدگی می نمایند. در فرض اول که مطابق با نظر اداره کل حقوقی قوه قضاییه می باشد^۱ دادستان و جانشین وی بدون تردید صلاحیت صدور قرار بایگانی پرونده را

^۱ نظریه مشورتی شماره ۷۶۷/۱۴۰۳/۷ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه: «چنانچه شخصی متهم به ارتکاب جرائم متعدد باشد که با توجه به درجه جرم ارتكابی به برخی از آنها به صورت مستقیم در دادگاه صلح رسیدگی شود؛ اما رسیدگی به جرائم دیگر مستلزم انجام تحقیقات مقدماتی در دادرسی و سپس طرح در دادگاه کیفری صالح باشد؛ از آنجا که تفاوت صلاحیت بین این مراجع، تفاوت در صلاحیت ذاتی محسوب نمی شود و همچنین با توجه به ضرورت رسیدگی توأم به اتهامات متعدد متهم در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به جرم مهمتر را دارد (موضوع ماده ۳۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)، همچنین با لحاظ استثنایی بودن واگذاری امر تحقیقات مقدماتی به دادگاه صلح و با هدف پیش گیری از عواقب و آثار بعدی؛ از جمله تشکیل پرونده های متعدد برای متهم واحد و ضرورت اعمال مقررات تعدد جرم، تحقیقات مقدماتی تمام این جرائم ابتدا در دادرسی انجام میشود و پس از صدور کیفرخواست، به منظور رسیدگی توأم به تمام جرائم ارتكابی، پرونده نزد مرجعی که برای رسیدگی به جرم

دارد.^۱ کما این که اگر پرونده از طریق کیفرخواست به دادگاه صالح یعنی دادگاه کیفری دو یا یک ارسال گردد، دادگاه نیز می تواند قرار بایگانی پرونده را صادر نماید. اما در فرض دوم نیز دادستان اختیار صدور قرار بایگانی پرونده را دارد و نمی توان وی را ملزم به صدور قرار عدم صلاحیت نمود. زیرا وقتی وی صلاحیت عام تعقیب را دارد تبعاً صلاحیت انصراف از تعقیب با صدور قرار بایگانی را نیز داراست.

۲-۲. شرایط صدور قرار بایگانی پرونده در ایران

۲-۲-۱. نوع جرم:

بر خلاف آیین دادرسی کیفری فرانسه که نوع جرایم برخوردار از تأسیس بایگانی پرونده را شامل تمام جرایم جنحه ای و خلافی دانسته است، جرم موضوع قرار بایگانی پرونده در ایران باید از نوع جرایم تعزیری درجه هفت یا هشت باشد. بنابراین اگر موضوع اتهام از نوع جرایم تعزیری درجه یک تا شش و یا جرایم غیر تعزیری باشد، نمی توان قرار موصوف را صادر نمود. این قرار هم شامل جرایم عمدی و هم غیر عمدی می شود. این قرار صرفاً به بزرگسالان (افراد بالای ۱۸ سال تمام شمسی) اختصاص ندارد بلکه شامل جرایم اطفال و نوجوانان نیز می گردد. لذا در پرتو این نهاد مقام قضایی و اطفال و نوجوانان متهم، باهم توافق می کنند که از یک سو دستور توقیف تعقیب دعوی کیفری صادر شود و از سوی دیگر این دسته از متهمان در زمینه رعایت مقررات و پیروی از دستورات و باید و نباید های کیفری تعهد

مهمتر صلاحیت دارد، ارسال می شود.» همچنین نگاه کنید به نظریه مشورتی شماره ۲۷/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه .

^۱ نظریه مشورتی شماره ۱۷۰۶/۹۷/۷ مورخ ۱۳۹۷/۶/۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه: «طبق ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرایم درجه ۷ و ۸ با شرایط مندرج در این ماده، امکان صدور قرار بایگانی پرونده وجود دارد. اگر چنین جرایمی به همراه جرایم درجات دیگر باشند، تحقیقات همه آنها در داد سرا انجام می شود و مقامات قضایی می توانند برای جرایم درجه ۷ و ۸ در صورت تحقق شرایط قانونی، مبادرت به صدور قرار بایگانی کنند. قرار بایگانی می تواند از سوی شاکی یا متهم قابل اعتراض باشد و مرجع رسیدگی به اعتراض، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد.»

دهند. (رام نژاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹) لذا امکان صدور قرار بایگانی پرونده در دادگاه اطفال و نوجوانان وجود دارد. (زندیه و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۷) هر چند که بنظر نگارندگان دادرسی ویژه نوجوانان نیز می تواند قرار بایگانی پرونده صادر نماید.

۲-۲-۲. فقدان یا گذشت شاکی خصوصی

بر خلاف قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه که با وجود شاکی خصوصی امکان توسل دادستان به قرار موصوف فراهم می باشد در حقوق ایران می بایست جرم درجه هفت یا هشت فاقد شاکی خصوصی یا بدون بزه دیده باشد (مانند ولگردی موضوع ماده ۷۱۲ کتاب تعزیرات) یا شاکی خصوصی اعلام گذشت نموده باشد. لذا این شرط ناظر به جایگاه عدالت ترمیمی در نظام عدالت کیفری است. (آشوری، ۱۴۰۰: ۱۸۹/۱) با توجه به این که فقدان شاکی خصوصی یا اعلام گذشت وی یکی از شرایط صدور قرار بایگانی کردن پرونده است، نتیجه گرفته می شود که این قرار تنها در مورد جرایم تعزیری درجه هفت و هشت «غیر قابل گذشت» قابلیت استناد و اجرا دارد. (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۵۳/۱) زیرا جرایم قابل گذشت در صورت فقدان شاکی خصوصی، قانوناً قابلیت تعقیب ندارند یا در صورت اعلام گذشت، مقام قضایی می بایست در فرض اعلام گذشت شاکی، مستند به بند «ب» ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی تعقیب صادر نماید. (ناجی زواره، ۱۳۹۵: ۲۱۹/۱) سوالی در این مجال مطرح می گردد و آن این است که اگر پس از صدور قرار بایگانی پرونده، شاکی اعلام شکایت نماید، آیا امکان تعقیب متهم فراهم است؟ برخی از حقوقدانان به این سوال از باب تعقیب جنبه خصوصی جرم پاسخ مثبت داده اند. (مهاجری، ۱۳۹۵: ۱۱۲/۲)

۲-۲-۳. فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر

بر اساس مواد ۲۵، ۲۶ و تبصره ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی محکومیتی که واجد محرومیت از حقوق اجتماعی باشد، محکومیت کیفری مؤثر تلقی می شود. لازم به ذکر است محکومیت کیفری مؤثر در اثر ارتکاب جرم عمدی ایجاد می شود.

۲-۲-۴. لزوم تفهیم اتهام

در راستای مواد ۵ و ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری متهم می بایست فوراً از موضوع و ادله اتهام انتسابی به خود آگاه شود لذا مقنن در موارد امکان صدور قرار بایگانی کردن پرونده، تفهیم اتهام و ادله آن را ضروری دانسته است. لذا صدور قرار بایگانی پرونده فرع بر احراز وقوع جرم و احراز مجرمیت متهم است. (ناجی زواره، ۱۳۹۵: ۲۲۱/۱) به سخن دیگر، قرار بایگانی پرونده با فرض انتساب جرم به متهم صادر می شود. (تقی پور، سلیمی، ۱۳۹۷: ۷۵) با این وجود برخی از نویسندگان این قرار را قرار نهایی شکلی می دانند. (جوانمرد، ۱۳۹۴: ۳۶۶/۱) در حالی که بر اساس مطالب پیش گفته و لزوم احراز مجرمیت، برخی از حقوقدانان به درستی آن را در شمار قرارهای نهایی ماهوی ذکر نموده اند. (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۹: ۱۷۳) با این حال، قانون گذار بر خلاف ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری صدور قرار تأمین کیفری را متعاقب تفهیم اتهام ضروری ندانسته است. با این وجود برخی حقوقدانان معتقدند در صورت ضرورت، مقام قضایی می تواند تأمین کیفری از نوع التزام موضوع بند های «الف» تا «ز» ماده ۲۱۷ قانون مذکور را از متهم اخذ نماید. (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۹: ۱۹۹) برخی نویسندگان با این نظر مخالف و معتقد به عدم امکان صدور قرار تأمین کیفری هستند. (ناجی زواره، ۱۳۹۵: ۲۲۱/۱) این در حالی است که در قرار تعلیق تعقیب موضوع ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری اخذ تأمین کیفری را در مواقع ضروری، لازم دانسته است. به هر روی با توجه به اینکه مقام قضایی با احراز جرم صرفاً مکلف به تفهیم اتهام و مختاراً اخذ تعهد می باشد بنظر نگارندگان، صدور قرار تأمین و جاهت ندارد. در صورت تمایل مقام قضایی به صدور قرار بایگانی پرونده نسبت به اتهام شخص حقوقی، تعهد می بایست از نماینده قانونی شخص حقوقی اخذ گردد. (ساقیان و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۶۷) نکته شایسته بیان این است که اگر دلایل از قوت کافی برخوردار نمی باشند و مجرمیت محل تردید می باشد یا ادله

کافی وجود ندارد مقام قضایی مکلف به صدور قرار منع تعقیب است و نوبت به صدور قرار بایگانی پرونده نمی رسد. (کوشکی، ۱۴۰۱: ۲۹۶/۱)

۲-۲-۵. وضعیت متهم

مقنن مقام قضایی را مکلف به بررسی وضعیت های سه گانه نموده است که شامل؛ وضعیت اجتماعی متهم، وضعیت کیفری متهم (سوابق کیفری) و وضعیت متهم در حین ارتکاب جرم، می باشد. وضعیت کیفری متهم صرفاً شامل محکومیت های کیفری غیر مؤثر متهم نمی شود بلکه سوابق مظنونیت و تحت نظر بودن متهم در سامانه سمپ، در رویه عملی مورد توجه قضات می باشد.

۲-۲-۶. اخذ تعهد کتبی

قرار بایگانی پرونده به صورت غیابی امکان پذیر نمی باشد. زیرا مقام قضایی هر چند تکلیفی به اخذ تعهد ندارد ولی شرط تفهیم اتهام مانع صدور قرار بایگانی پرونده به صورت غیابی می باشد زیرا در هر صورت، حضور متهم جهت تفهیم اتهام شرط می باشد، حتی تبیین اتهام به وکیل متهم در صورت معرفی وکیل، کفایت نمی کند زیرا تفهیم اتهام جنبه شخصی دارد لکن بر خلاف قرار تعلیق تعقیب صدور آن منوط به اخذ موافقت متهم نمی باشد. شایسته بیان است اخذ تعهد کتبی از متهم مبنی بر رعایت قانون، از هیچ ضمانت اجرای قانونی برخوردار نیست. نقض آن از سوی متهم فاقد اثر است و مسئولیتی برای وی در پی ندارد. (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۵۴/۱) در واقع در صورت تخلف متهم وی صرفاً مشمول ضمانت اجرای عام رفتاری خواهد بود که بر خلاف قانون مرتکب شده است. لذا در صورت عدم التزام متهم به تعهد داده شده، موجبی برای تعقیب مجدد متهم به اعتبار همان جرمی که در خصوص آن قرار بایگانی پرونده صادر شده است، فراهم نمی باشد. (مهاجری، ۱۳۹۵: ۱۱۰/۲) با این وجود برخی از حقوقدانان معتقدند ممکن است منظور قانونگذار از اخذ التزام کتبی، صدور قرار التزام باشد (گلدوست جویباری، ۱۳۹۴: ۹۷) که به نظر عبارت برای رعایت مقررات قانونی این برداشت را منتفی می سازد. به هر روی، مقنن اخذ تعهد

را منوط به احراز حالت ضرورت نموده است، تبعاً احراز ضرورت به وسیله مقام قضایی صورت می گیرد. (کوشکی، ۱۴۰۱: ۲۹۸/۱)

۲-۲-۷. یکبار مصرف بودن قرار بایگانی

قرار بایگانی پرونده صرفاً یک مرتبه توسط مقام قضایی در طول زندگی اجتماعی هر انسانی در ایران قابل اصدار است. بنابراین، یک نوبت برای همیشه است نه یک نوبت در آن جرم. (مهاجری، ۱۳۹۵: ۱۱۱/۲) به تعبیر یکی از حقوقدانان، عبارت «فقط برای یکبار» معطوف به خود متهم است نه جرم ارتكابی توسط وی. (طهماسبی، ۱۴۰۳: ۱۲۶) این در حالی است که در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه چنین محدودیتی توسط مقنن آن کشور پیش بینی نشده است. چنانچه بزه های ارتكابی سابق متهم منتهی به صدور آراء منع یا موقوفی تعقیب و یا براءت شده باشد مانع صدور قرار بایگانی پرونده نیست. (میلانی، پورقاسم، ۱۳۹۵: ۱۴)

۲-۲-۸. غیر قطعی بودن قرار بایگانی

بر اساس صدر ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری اصل بر این است که قرارهای دادسرا قطعی است مگر مواردی که توسط قانون قابل اعتراض باشد. قرار بایگانی پرونده نیز بر اساس صراحت ماده ۸۰ قانون مذکور، قابل اعتراض است. با وجود این که برخی از حقوقدانان معتقدند این قرار توسط متهم قابل اعتراض نیست (خالقی، ۱۳۹۵: ۸۲) اما بنظر این قرار توسط متهم قابل اعتراض است زیرا چه بسا خود را بی گناه بداند (ناجی زواره، ۱۳۹۵: ۲۲۲/۱) یا مدعی باشد جرمی که به وی نسبت داده شده توسط وی ارتكاب نیافته یا جرم قابل گذشت بوده و تعقیب منوط به شکایت شاکی می باشد. (مهاجری، ۱۳۹۵: ۱۱۱/۲) در خصوص حق اعتراض شاکی شاید بیان شود این قرار توسط وی قابل اعتراض نیست زیرا این قرار در فرضی که پرونده شاکی داشته باشد، زمانی صادر می شود که وی گذشت نموده باشد. اما به نظر همان گونه که قرار موقوفی تعقیب به لحاظ گذشت شاکی قابل اعتراض است، این قرار نیز توسط شاکی قابل اعتراض است. بنابراین این قرار علاوه بر متهم می بایست به

شاکي موجود نيز ابلاغ گردد.^۱ مهلتِ اعتراض به قرار، ده روز از تاريخ ابلاغ است. مرجع بررسي اعتراض در صورتي که قرار توسط دادسرا صادر گردد، دادگاه کيفري دو است نه دادگاه عمومي صلح. زيرا دادستان در معيت دادگاه کيفري (۲) و نه دادگاه صلح است.

۲-۲-۹. اعتبار امر مختوم کيفري

اعتبار امر مختوم کيفري از جلوه هاي بارز کنار گذار دعوي کيفري است که به موجب آن دستگاه عدالت کيفري نمي تواند رسيدگي به آن دسته از دعاوي کيفري اي که پيش تر مورد رسيدگي قرار گرفته است را دوباره از سر گيرد. آيا قرار بايگاني پرونده مشمول اعتبار امر مختوم کيفري قرار مي گيرد؟ برخي از حقوقدانان با برداشت از عبارت «فقط يکبار از تعقيب متهم خودداري...» در ماده ۸۰ قانون آيين دادرسي کيفري، معتقدند امکان بازتعقيب متهم در صورت کشف دلایل نو يافته امکان پذير است. (نيازپور، ۱۳۹۲: ۱۷۸) لذا دادستان مي تواند از تصميم خود منصرف شده و نسبت به از سرگيري تعقيب کيفري اقدام نمايد. (کوشکي، ۱۳۸۱: ۱۹۲) اين نظر قابل پذيرش نمي باشد زيرا مفهوم عبارت موصوف هرگز به معنای امکان بازتعقيب متهم به اختيار دادستان بابت همان اتهامی که قرار بايگاني صادر شده است نمي باشد. بلکه بدان معناست که به فراخور هر متهم صرفاً در طول حيات خود يک مرتبه مي تواند از اين امتياز داد ستان برخوردار شود. اگر منظور قانونگذار امکان بازتعقيب متهم بود مي توانست چون فحواي ماده ۲۷۸ قانون مذکور پيش بيني نمايد. لذا در قانون آيين دادرسي کيفري صرفاً قرار هاي توقف تحقيقات و منع تعقيب به لحاظ فقدان ادله از اعتبار امر قضاوت شده موقت يا نسبي برخوردار مي

^۱ نظريه شماره ۱۷۰۶/۹۷/۷ مورخ ۱۳۹۷/۶/۳ اداره کل حقوقي قوه قضائيه: «قرار بايگاني مي تواند از سوي شاکي يا متهم قابل اعتراض باشد و مرجع رسيدگي به اعتراض، دادگاهي است که صلاحيت رسيدگي به آن اتهام را دارد.»

باشند و قرار بایگانی پرونده به محض قطعیت از اعتبار امر قضاوت شده محض برخوردار است.

نتیجه گیری

بر اساس مواد ۱۱ و ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری، دادستان مقام اصلی تعقیب است. تعقیب دادستان یا در راستای تعقیب جرم است یا تعقیب دعوی عمومی. قانونگذار با پیش بینی ماده ۳۴۰ قانون مذکور امکان تعقیب مستقیم دعوی عمومی را از دادستان سلب نمود و مراحل تعقیب دعوی عمومی، تحقیقات مقدماتی و رسیدگی را به دادگاه واگذار نمود. اما کماکان اختیار تعقیب جرم بر عهده دادستان می باشد و وی در جرایم درجه هفت و هشت مقام تعقیب و مدعی العموم محسوب می گردد. یکی از اختیاراتی که قانونگذار در مبحث وظایف و اختیارات دادستان پیش بینی نموده است، انصراف از تعقیب جرم در قالب بایگانی پرونده می باشد که از نظام حقوقی فرانسه اقتباس شده است. در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه دادستان یکی از مقاماتی است که می تواند قرار بایگانی پرونده صادر و از تعقیب متهم چشم پوشی کند با این تفاوت که در نظام حقوقی ایران بایگانی پرونده ساده و در نظام حقوقی فرانسه بایگانی پرونده علاوه بر ساده، مشروط نیز می باشد. مقام تجدیدنظر از قرار موصوف در ایران دادگاه و در فرانسه دادستان استان می باشد. در حقوق ایران بر خلاف حقوق فرانسه که پلیس قضایی و حتی میانجی گر می تواند قرار بایگانی صادر نماید، تنها مقام قضایی یعنی دادستان و دادگاه های کیفری که به جرایم درجه هفت و هشت رسیدگی می نمایند می توانند قرار بایگانی پرونده را صادر نمایند. این دادگاه در این مواردی به جانشینی از دادستان در امر تعقیب دعوی عمومی اقدام به صدور قرار بایگانی می نمایند.

فهرست منابع

آشوری، محمد (۱۴۰۰)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ بیست و دوم، تهران، سمت.

باباخانی، عرفان (۱۴۰۰)، توافق کیفری ساز و کار جایگزین تعقیب عمومی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، بلژیک و فرانسه)، **پژوهشنامه حقوق تطبیقی**، سال پنجم، شماره ۱.

تدین، عباس (۱۴۰۲)، جایگزین های تعقیب دعوی عمومی و تحولات آن در آیین دادرسی کیفری فرانسه، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال چهارم، شماره ۲. _____ (۱۳۹۱)، **ترجمه آیین دادرسی کیفری**، ژاک بوریکان و آن ماری سیمون، تهران، خرسندی.

تقی پور، علیرضا، سلیمی، واحد (۱۳۹۷)، تاثیر اندیشه های جرم شناسی بر کاهش موارد تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال نهم، شماره ۱.

جوانمرد، بهروز (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ دوم، تهران، جنگل.

حاجی تبار فیروزجائی، حسن (۱۳۹۹)، **آیین دادرسی کیفری کاربردی**، چاپ دوم، تهران، میزان.

خالقی، علی (۱۳۹۵)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ سی و سوم، تهران، شهردانش.

_____ (۱۳۹۵)، **نکته ها در آیین دادرسی کیفری**، تهران، شهردانش.
رام نژاد، سید علی مراد، کوشکی، غلامحسین، موذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۷)، **سیاست کیفری ایران در خصوص جایگزین های تعقیب کیفری در قبال اطفال و نوجوانان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

رحمدل، منصور (۱۳۹۷)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر.

رضاپور، محمدصادق، جانی پور، مجتبی (۱۴۰۲)، مبانی، شرایط و آثار قرار
بایگانی شدن پرونده در حقوق دادرسی ایران با نگاهی بر رویکرد و
رویه قضات و محاکم کیفری استان گیلان، پایان نامه کارشناسی ارشد،
دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه گیلان.

رضاقلی زاده، ابراهیم. (۱۴۰۰). الزامی (قانونی) بودن و مقتضی بودن تعقیب
و نمود آن در مقررات دادرسی کیفری ایران و دیوان بین‌المللی
کیفری. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۴(۱۲)، ۸۰-۶۱. doi:
10.22034/law.2021.539052.1113

زندیه، آرام، کوشکی، غلامحسین، موذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۷)، بررسی قرار
بایگانی پرونده و ترک تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲،
پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
ساقیان، محمد مهدی، مرسی، هادی، ابصاری، میلاد (۱۴۰۲)، امکان سنجی اعمال
جایگزین های تعقیب نسبت به اشخاص حقوقی، مجله مجلس و راهبرد،
پیاپی ۱۱۴.

طهماسبی، جواد، طهماسبی، امیررضا (۱۴۰۳)، تحلیل کاربردی قانون آیین
دادرسی کیفری، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
_____ (۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سوم، تهران،
میزان.

عابدی، احمدرضا (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، مرکز
مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
کوشکی، غلامحسین (۱۴۰۱)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ دوم،
تهران، جهاد دانشگاهی.

_____ (۱۳۸۱)، بررسی اختیارات و وظایف دادستان در

آیین دادرسی ایران و فرانسه، ر ساله دوره دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

_____ (۱۳۸۹)، جایگزین های تعقیب دعوی عمومی در نظام

دادرسی کیفری ایران و فرانسه، پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹. گلدو ست جویباری، رجب (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، چاپ پنجم، تهران، جنگل.

فتح آبادی، حسین، مهدوی ثابت، محمد علی (۱۳۹۹)، واکاوی رویکردهای تعقیب زدا در پرتو سیاست فردی کردن عدالت کیفری، پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، پیاپی ۱۶.

ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، خرسندی. نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۲)، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، میزان.

مهاجری، علی (۱۳۹۵)، آیین رسیدگی در دادسرا، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات فکر سازان.

_____ (۱۳۹۵)، آیین رسیدگی در دادسرا، جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات فکر سازان.

مهمی، خاتون، روح الامینی، محمود (۱۳۹۶)، تبیین مفهوم و جایگاه قرار بایگانی پرونده در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره سوم، شماره ۱/۲.

میلانی، علیرضا، پور قاسم، علی (۱۳۹۵)، بایگانی پرونده کیفری، مطالعات علوم اجتماعی، دوره دوم، شماره ۱.

References

Abedi, Ahmad Reza(2019), Criminal Procedure Code, First Edition, Tehran, Judiciary Press and Publication Center. (In Persian)

Ashouri, Mohammad (1400), Criminal Procedure Code, Volume 1, 22nd Edition, Tehran, Samt. (In Persian)

Aubert, L. (2010). Systé matisme pé nal et alternatives aux poursuites en France: une politique pé nale en trompe-l'œil, Editions juridiques associé es "Droit et socié té ". (in french)

Babakhani, Erfan (1400), Criminal Agreement and Alternative Mechanism to Public Prosecution (Comparative Study of Iranian, Belgian and French Law), Comparative Law Research Journal, Year 5, Issue 1. (In Persian)

Bernard Bouloc (2019),procé dure pé nale, 16 è me é dition, paris, Dalloz. (in french)

Corinne Renault–Brahinsky;(2006) “procé dure pé nale Manuels”; Gualino é diteur. (in french)

Fathabadi, Hossein, Mahdavi Sabet, Mohammad Ali (2019), Analysis of Prosecution Approaches in the Light of the Policy of Individualizing Criminal Justice, Criminal Law and Criminology Research, 16th Issue. (In Persian)

Goldoust Jouybari, Rajab(2015), Criminal Procedure Code, Fifth Edition, Tehran, Jangal. (In Persian)

Hajitabar Firouzjaei, Hassan (2019), Applied Criminal Procedure, Second Edition, Tehran, Mizan. (In Persian)

Javanmard, Behrouz (1394), Criminal Procedure Code, Volume 1, Second Edition, Tehran, Jangal. (In Persian)

Khaleghi, Ali (2016), Criminal Procedure, Volume One, Thirty-third Edition, Tehran, Shahr-danesh. (In Persian)

_____ (2016), Points in Criminal Procedure, Tehran, Shahr-danesh. (In Persian)

Koushki, Gholam Hassan(2012), Criminal Procedure Code, Volume 1, Second Edition, Tehran, Jihad Daneshgah. (In Persian)

_____ (2002), Examining the Powers and Duties of the Prosecutor in the Procedure of Iran and France, PhD Thesis, Faculty of Law, Shahid Beheshti University. (In Persian)

_____ (2009), Alternatives to Public Prosecution in the Criminal Procedure System of Iran and France, Law Research, Year 12, Issue 29. (In Persian)

Naji Zavareh, Morteza (2016), Criminal Procedure Code, Volume 1, Tehran, Khorsandi. (In Persian)

Niazpour, Amir Hassan (2013), Consensualization of Criminal Procedure Code, Second Edition, Tehran, Mizan. (In Persian)

Mahiimi, Khatoon, Roholamini, Mahmoud (2017), Explanation of the Concept and Position of the Order to Archive a Case in the Iranian Criminal Procedure Code, Studies in Political Science, Law and Jurisprudence, Third Volume, No. 2/1. (In Persian)

Milani, Alireza, Pourghasem, Ali (2016), Criminal Case Archives, Social Science Studies, Volume 2, Issue 1. (In Persian)

Mohajeri, Ali (2016), Procedure in the Court of Justice, Volume 1, Eleventh Edition, Tehran, Feker Sazan Publications. (In Persian)

_____ (2016), Procedure in the Court of Justice, Volume 2, Eleventh Edition, Tehran, Feker Sazan Publications. (In Persian)

Ramnejad, Seyed Ali Morad, Koushki, Gholamhossein,
Moazinzadegan, Hassanali (2018), Iran's Criminal Policy Regarding
Alternatives to Criminal Prosecution Against Children and Adolescents,
Master's Thesis, Faculty of Law and Political Science, Allameh
Tabatabaei University. (In Persian)

Rahamdel, Mansour (2018), Criminal Procedure, Volume Two, Third
Edition, Tehran, Dadgostar Publishing House. (In Persian)

Rezapour, Mohammad Sadegh, Janipour, Mojtaba (1402), Principles,
Conditions and Effects of the Order to Archive a Case in Iranian
Procedural Law with a Look at the Approach and Procedure of Judges
and Criminal Courts of Guilan Province, Master's Thesis, Faculty of
Law and Political Science, University of Guilan. (In Persian)

Saghian, Mohammad Mehdi, Morsi, Hadi, Absari, Milad (1402),
Feasibility Study of the Application of Alternatives to Prosecution
against Legal Entities, Journal of Parliament and Strategy, Issue 114.
(In Persian)

Taghipour, Alireza, Salimi, Vahed (1397), The Effect of
Criminological Thoughts on Reducing Prosecution Cases in the
Criminal Procedure Code, Criminal Law Research Journal, Year 9,
Issue 1. (In Persian)

Tahmasbi, Javad, Tahmasbi, Amir Reza (1403), Applied Analysis of
the Criminal Procedure Code, Tehran, Judiciary Press and Publication
Center. (In Persian)

_____ (2017), Criminal Procedure Code, Volume 1, Third Edition,
Tehran, Mizan. (In Persian)

Tedin, Abbas (1402), Alternatives to Public Prosecution and Its Developments in French Criminal Procedure Code, Criminal Law Research Journal, Year 4, Issue 2. (In Persian)

_____ (1391), Translation of Criminal Procedure Code, Jacques Bourican and Anne-Marie Simon, Tehran, Khorsandi. (In Persian)

Pradel, Jean(2007), procedure penale, 13e edition, Editions cujas. (in french)

Valette, Vanessa (2018), procédure pénale, 11^{ème} édition paris, Ellipses. (in french)

Zandiyeh, Aram, Koushki, Gholam Hossein, Moezin Zadegan, Hassan Ali (1397), Examination of the Order to Archive a Case and Discontinue Prosecution in the Criminal Procedure Code of 1392, Master's Thesis, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University. (In Persian)

پایه‌نشر | در انتظار انتشار | نسخه پیش‌نویس | Awaiting Publication | Draft Version | Accepted | پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه پیش‌نویس | Awaiting Publication | Draft Version | Accepted | پذیرفته شده